



اتحاد در پرتو آموزه‌های قرآن و حدیث

محمد مهدی رکنی یزدی

چکیده

این نوشتار در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چه روشی برگزید که توانست در مدت رسالت بیست و سه ساله‌اش، اعراب بی‌فرهنگ و ناآگاه از کشور دثری و جمع‌گرایی را متحد کند و در حرکت‌ها، همسو و همدل سازد. نویسنده دو عامل عمده باور توحیدی و اخوت اسلامی را در این موفقیت بزرگ تاریخی مؤثر می‌داند.

هویت ملی و استقلال، راهی جز وحدت و هماهنگی در حرکت‌های عمومی نداریم. این واقعیت در پیام رهبر معظم انقلاب در آغاز سال ۱۳۸۶ بیان شد و مردم به آن قرا خوانده شدند.

اینک در پی آنیم که بدانیم پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله که عقل گل و مؤید به وحی بود چه روشی برگزید که توانست در مدت ۲۳ سال عمر پرتلاش رسالتش - مخصوصاً در ده سال اخیرش - اعراب بی‌فرهنگ و ناآگاه از آداب کشورداری و جمع‌گرایی را متحد کند و در حرکت‌ها، همسو و همکار گرداند، تا بر غیر مسلمانان پیروز گردند و خود ملتی مستقل و متحد شوند. مهم‌ترین علل این

پیوند و همبستگی در میان اجزای موجودات - از گیاه و حیوان گرفته تا انسان - قانونی است عمومی و بدون استثنا، سستی که آفرینش در آنها به ودیعه نهاده که با فقدان آن، موجود متلاشی می‌شود و از صورت اولیه بیرون می‌رود و نابود می‌گردد. این نخستین یادآوری و توجه دادن است به انسان تا به این قانون خلقت پی ببرد و اهمیتش را دریابد، و در اجتماع خود - اگر حیات سالم آن را طالب است - رعایت کند. بنابراین همبستگی و اتحاد افراد یک جامعه که چون اعضای یک پیکرتند از بدیهیات است و نیاز به استدلال ندارد، و همه می‌دانیم برای ادامه حیات جمعی و تثبیت

موفقیت اجتماعی - سیاسی به شرح زیر است:

۱- توحید هرآیین و دعوتی نیاز به مبنای فکری و زیربنای اعتقادی دارد. این مبنا در آیین اسلام «توحید» است. اما توحید در دین خاتم نه عقیده‌ای در ردیف سایر عقاید است، بلکه پایه و درونمایه همه اعتقادات است؛ حتی عبادات و معاملات و احکام اجتماعی و قضایی و حقوقی نیز نشأت گرفته از توحید است؛ زیرا تنها هستی بخش و مالک ملک وجود، مدیر و مدبّر جهان و جهانیان آن ذات متعال است که علم و قدرتش نامتناهی و افعالش همه حکیمانه و با هدفی صحیح و احکامش عادلانه است. چنین است توحید قرآن که آیات کلام الله به آن گویاست و برهان عقلی و جهان محسوس به آن گواهی می‌دهد.

البته سایر انبیای الهی نیز به توحید و یکتاپرستی دعوت می‌کردند، اما در اسلام این عقیده عمق و معنی و گسترش زیادتری یافت، در حدّی که این باور باید در رفتار فردی و جمعی و گفتار پنهانی و علنی مسلمان نمودار باشد، و همه چیز برای رضای خدای تعالی و فرمانبرداری از او انجام گیرد. سعدی روحیه و حال عرفانی مسلمان موحد را نیکو وصف کرده:

موحد چو در پای زیزی زرش
چو شمشیر هندی نهی بر سرش

امید و هراسش نباشد ز گس
بر این است بنیاد توحید و بس

واضح است چنین موحدی با چنان باورهایی خود را جزئی از کل و فردی از جمع می‌داند، پس نمی‌تواند تک‌رو و فردگرا باشد و تنها به سود شخصی بیندیشد، و با هموعان که همه بندگان خدایتند پیوند و اتحاد نداشته باشد و به مصالح آنها فکر نکند. به این‌گونه توحید قلبی و اعتقادی آثارش در اجتماع مسلمین نمودار می‌شود که توضیح داده خواهد شد:

۲- رسول خدا ﷺ در سال‌های آغازین بعثت که در مکه بود بیشتر به یکتاپرستی و نفی آنداد و لعن بت‌ها می‌پرداخت. چون در ایام حج قبایلی از مدینه ایمان آوردند و بر یاری حضرت در دعوت به اسلام پیمان بستند به مدینه هجرت فرمود. در آن شهر بود که تشکیلات حکومتی اسلام پا گرفت، و بعد از ساختن مسجد، خانه خدا مرکز عبادت و برنامه‌ریزی حکومتی و مشورت و تعلیم و تعلم شد، و رفته رفته گروه گروه اهالی مکه که مسلمان شده بودند - نیز هجرت کردند. در همان سال اول هجرت پیامبر اکرم ما به ابتکاری مهم دست زد، به این معنی که میان انصار و مهاجران - که

حدود یکصد تن بودند. پیمان برادری بست، بر این قرار که باید یکدیگر را در راه حق یاری دهند. رسول اکرم به آنان فرمود دو نفر دو نفر با هم برادری کنید، و دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و گفت: «هذا أخی» این برادر من است^۱.

قرآن مجید برای القاء و تثبیت توحید ناب - حتی در مانند چنان ابتکارهایی - می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِسُنُّورِهِ وَيَا الْمُؤْمِنِينَ * لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (انفال / ۶۲-۶۳)؛ «او کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد. و در میان دل‌های آنان الفت ایجاد نمود. اگر تمام آنچه روی زمین است صرف می‌کردی که در میان دل‌های آن‌ها الفت افکنی نمی‌توانستی، ولی خداوند در میان آن‌ها الفت ایجاد کرد، که او توانا و حکیم است»^۲.

مقصود این است که دل‌ها در دست قدرت آفریدگار است، و او برای تأیید بین آن طوایف دشمن الفت و همدلی و همبستگی ایجاد کرد تا متحد و پیروز شدند.

۳- برادری اسلامی تنها بین مهاجران و انصار - در ابتدای هجرت - صورت نگرفت، بلکه به عنوان حکمی عمومی میان مسلمین وضع شد و در قرآن کریم اعلام

گشت، و اساس اصلاحات مهم اجتماعی و صلح و صفای مسلمانان قرار گرفت، و اینک سخن خدای تعالی در این باب:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (حجرات / ۱۰)؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید».

در آیه ۹ سوره حجرات خداوند به برقرار کردن صلح میان دو گروه مؤمنان که به نزاع و خصامه برخاسته‌اند حکم می‌فرماید^۳. در این آیه مبنای نظری و اعتقادی آن اصلاح و ایجاد وفاق را یادآور می‌شود، که با بحث ما مربوط است، زیرا مؤمنان را - که همه از روح ایمانی برخوردارند - با تأکید «انما» برادر

۱- درباره عقد اخوت مهاجر و انصار رک: آینی، دکتر محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، با تجدید نظر دکتر ابوالناسم گرجی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۱۶.

۲- ترجمه برگرفته از: مکارم شیرازی، آیت‌الله ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۰ ترجمه بنیه آیات هم از معظم له است.

۳- برای تفسیر آیه و روایاتی که درباره اخوت اسلامی رسیده رک: ابوالفتح رازی، دوش الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح دکتر محمد جعفر باحتی و دکتر محمد مهدی ناصح، بیاد پژوهشهای اسلامی، ج ۱۸، ص ۲۳.

می خواند، و روشن است که در عرف و عادت هیچ ملّتی و آیینی دشمنی و نزاع بین دو برادر روا نیست و شایسته نمی باشد. به سخن دیگر خدائی تعالی ما را به حقیقتی فطری توجه می دهد، به ویژه در اسلام که دین سلّم و صفا و محبت است.

واقع این است که برادری اسلامی از شعارهای پُر معنی و زیبا و عملی قرآن و آورنده آن است، که بر آن احکام اخلاقی و تربیتی زیادی بار می شود و همه در محیط اجتماع باید اجرا شود. و اینک یک مثال: پیامبر اکرم ما با تمثیلی زیبا یاری و همکاری دو برادر دینی را چنین بیان می کنند: «مَثَلُ الْأَخَوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ، يَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»؛ دو برادر مسلمان همانند دو دست اند که هر کدام دیگری را می شوید!

در این تشبیه بلیغ افزون بر همیاری آن دو، با به کار بردن «يَغْسِلُ» (می شوید) زدودن آلودگی ها و عیب ها را از همدیگر یادآوری می فرماید.

۴- اتحاد ملّی آن زمان تحقق می یابد که ما از بُعد نظری باور کنیم و ایمان آوریم که هموطنان ما طبق بینش قرآنی و آموزه های حدیثی واقعاً - نه از روی مَجاز - برادر ما هستند؛ زیرا به تصریح کلام الله آفریدگار توانا پدر و مادر آدمیزادگان را از خاک آفریده و از روح آسمانی در آنان دمیده تا انسانی با

شعور و ادراک و احساس شدند. پس همه انسان ها از یک اصل و مایه هستند و از یک خانواده می باشند که بعد در طول زمان پراکنده شده، رنگ ها و شکل های مختلف پیدا کرده اند. بنابراین اصالت و وحدت در خلقت اقتضا می کند که رفتارشان خاصّه با دیگر مسلمین برادرانه باشد، با صمیمیت و حمایت از هم و معاونت برای برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی یکدیگر و آگاهی از حقوقی که مؤمنان نسبت به هم دارند. ادای این حقوق است که موجب پیوند و ارتباط و بالاخره اتحاد آنان می شود، و چهره عبوس و زشت زندگانی را زیبا و دوست داشتنی می کند.

چون مجال بسط سخن نیست نویسنده به نقل ترجمه چند حدیث اکتفا می کند و طالبان را به کتاب گرانقدر اصول کافی ارجاع می دهد: الف) ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند: شنیدم که حضرت می گفت: مؤمن برادر مؤمن است مانند یک پیکر، که چون جزئی از آن ناراحت شود درد آن را در سایر جسدش می یابد، که ارواح آن دو از یک روح است، و روح مؤمن پیوندش به روح [آفریده] خداوند بیش از اتصال شعاع

- ۱- فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۳۳۲، کتاب آداب الصحبة والمعاشرة، باب ۲.
- ۲- سورة حجرات، آیه ۱۳.

خورشید به آن است!

سعدی این مضمون این حدیث را در سه بیت معروف ترجمه کرده:

بسی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

ب) در باب «اهتمام به امور مسلمین» از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که صبح برخیزد و اهتمام به امور مسلمانان [و حل مشکلات آنان] نداشته باشد مسلمان [واقعی] نیست.^۱ این حدیث از چند طریق نقل شده است.

ج) سگونی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خلق نان خور خدایند. محبوب‌ترین مردم نزد خدای تعالی کسی است که به نان خورها و عیال خدا نفع برساند (و از او بهره‌مند شوند).^۲

د) مُعَلَّى بن خُنَیس که از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام است درباره «حق مؤمن بر برادرش» می‌پرسد حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ امام می‌فرماید: هفت حق واجب است که اگر یکی از آنها را [بدون عذر]

ضایع کند از ولایت خدا و طاعتش خارج شده.

راوی گوید: «الْأَقْوَمُ إِلَّا بِاللَّهِ». (توان انجام دادن آن‌ها جز به یاری خدا نیست). حضرت فرمود: کمترین آن حق‌ها این است که برای او دوست داشته باشی آنچه برای خودت دوست داری، و کراهت داشته باشی برای او آنچه برای خودت کراهت داری و نمی‌پسندی. حق دوم این است که از دشمنی با او پرهیز کنی و رضایتش را به دست آوری و امرش را اطاعت کنی. حق سوم این است که با خودت و مالت و زیانت و دست و پایت او را کمک کنی. حق چهارم این است که چشم و راهنما و آینه‌اش باشی. حق پنجم چنان نشود که تو سیر باشی و او گرسنه، تو سیر آب و شاداب باشی و او تشنه و پژمرده، تو پوشیده و او عریان. حق ششم چنین نباشد که تو را خدمتکار باشد و او را نباشد. پس باید خدمت را روانه کنی تا لباسش را بشوید و خوراکش را درست کند و فرازش را آماده نماید. حق هفتم این است که سوگندش را راست شمیری و دعوتش را بپذیری و در بیماری به عیادتش روی و بر جنازه‌اش

۱- کلبی، محمد بن یعقوب، الأصول من الکافی، الجزء

الثانی، دارالکتب الإسلامیه، ص ۱۶۶، حدیث ۴.

۲- همان، ص ۱۶۳، حدیث ۱.

۳- همان، ص ۱۶۴، حدیث ۶.

حاضر شوی، بالاخره هرگاه حاجتی داشت آن را برآوری و نگذاری [با شرمساری] سؤال کند. چون این کارها را کردی دوستی‌ات به دوستی او و دوستی او به دوستی تو پیوند خورده است!

با ادای این حقوق - هر قدر ممکن شود - می‌توان سرای مینو و بهشت پُر نعمت را در حد توان در این خاکدان به وجود آورد، و فضای آلوده و خفه‌کننده زندگی را دل‌آرا و فرح‌بخش کرد.

توضیح شاید خواننده وظیفه‌شناسی از مطالعه حدیث اخیر شگفت‌زده شود و آن را تکلیفی دشوار بداند. در پاسخ این اعتراض مقدر گوئیم: البته به کار بستن و عمل به تمام حقوقی که رئیس مذهب ما بر سمر دند دشوار است، ولی با در نظر آوردن حکم کلی ﴿لَا يَكُفُّ اللَّهُ تَفْئًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره / ۲۸۶) که خدای حکیم هیچ کس را بیش از توانش تکلیف نمی‌کند، باید هر اندازه تمکن داریم و می‌توانیم در عمل کردن به آن احکام سعادت بخش بکوشیم، و باور داشته باشیم که آنچه داریم همه عطا و داده آفریننده ماست، و او ما را و نخواهد گذاشت. نکته دیگر این که توجه کنیم تعلیمات اجتماعی اسلام که به صورت «حقوق اخوت» گفته می‌شود تا چه حد مترقی و تا چه پایه عالی است، بنابراین از جهت نظری (تئوری) نیاز

به نظریه پردازان شرق و غرب نداریم. مشکل ما در هماهنگ نبودن دستگاه‌های اجرایی با صاحب نظران دانشگاه و حوزه، و مدیریت قوی و دل‌سوز است، و کاستی‌های دیگر که دولتمردان باید در فکر آن باشند.

نکته پایانی این که رعایت حقوق برادری که همه جنبه عملی دارد خود موجب محبت و دوستی و انگیزه اتحاد و اتفاق شهروندان یک کشور می‌شود و پیشرفت و ترقی این جهانی را پیش از سبادت آن جهانی فراهم می‌کند.

۵- اتحاد دو قوم و قبیله یا دو حزب و دسته، حلقه واسطه‌ای می‌خواهد. این «واسطه العین»^۱، دین اسلام، کتاب معجز نشان قرآن، اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام که مفسران آن کتاب‌اند، و هر وسیله ارتباطی مشروع و معقول می‌تواند باشد. اکنون از سخن خدا بشنویم که این حقیقت را چه زیبا و شیوا بیان می‌کند:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۳)؛

۱- همان، ص ۱۶۹، حدیث ۲.
۲- واسطه العین. گوهر کلان پُربها که در وسط گوهرهای گلوبند باشد. (لغت‌نامه دهخدا).

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید. و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید خدا شما را از آن‌جا برگرفت (و نجات داد). این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید هدایت شوید.

شأن نزول آیه را دربارهٔ اختلافی که میان دو قبیلهٔ اوس و خزرج بروز کرده بود نوشته‌اند، ولی حکم آن کلی و همیشگی است. آنچه در این آیه شایان توجه است تصویری است زنده که قرآن ارائه می‌دهد، و آن انسان گمراهی است که در قعر چاه طبیعت افتاده و برای بیرون آمدن نیاز به دستاویزی دارد تا به آن چنگ زند. این وسیله نجات، قرآن یا خاندان پیامبر اسلام ﷺ - که در روایات آمده - یا هر وسیلهٔ ارتباط با خداوند است که سبب اتحاد و رفع جدایی و دشمنی می‌شود و باید آن را واسطهٔ العقد همبستگی و متحد شدن قرار داد.

نکتهٔ دیگر تصویر روشنی است که قرآن از مخاصمه و تفرقه برای ما ترسیم کرده، و آن وضع و جایگاه کسی یا کسانی است که بر لب گودال آتش هستند و هر زمان احتمال سقوطشان می‌رود، اما خدای مهربان به

نعمت اسلام و پیامبر رحمت آنان را رهایی بخشیده است.

آیهٔ مذکور چنان که می‌بینیم بهترین راه کار اتحاد امت اسلام و نابود کردن عوامل جدایی و دشمنی را بیان می‌کند: چنگ زدن به ریسمان خدایی و دوری از آتش فراق و جدایی.

۶- از امور مسلم نزد همهٔ مسلمین است که اسلام دین جهانی و پیامبر اسلام ﷺ پایان بخش انبیای الهی است. در اجرای این اصل قرآنی رسول خدا به کتابانش دستور داد به سران و حاکمان کشورهای آن عصر نامه نوشتند و با پیک برای آنان گسیل داشت و پاسخ مثبت یا منفی دریافت کرد که تصویر آن‌ها در کتاب بسیار ارزشمند و محققانهٔ نامه‌ها و پیمانهای سیاسی حضرت محمد ﷺ آمده است.

آنچه با بحث ما ارتباط دارد آیه‌ای است که به دستور حضرت آن را برای مسیحیان مانند نجاشی و هرقل (دو فرمانروای حبشه و روم) نوشته‌اند، و بهره‌گیری حضرت برای مسلمان کردن آنان از وجه اشتراک میان

۱- رک: روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۴۶۵ به بعد.

۲- رک: حمید الله، دکتر محمد، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام، ترجمهٔ دکتر سید محمد حسینی، انتشارات سروش، ۱۳۷۷.

اسلام و مسیحیت در اعتقاد به خداوند. تیمناً متن نامه و ترجمه‌اش از مأخذ نامبرده نقل می‌شود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. مِنْ مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى هِرَقْلَ عَظِيمِ الرُّومِ. سَلَامٌ عَلَيَّ مِنْ اتَّبَعَ الْهُدَى! أَمَّا بَعْدُ فَأِنِّي أَدْعُوكَ بِدَعَايَةِ الْإِسْلَامِ، أَسْلِمْتَ تَسَلَّمْ، وَ أَسْلِمَ يُؤْتِيكَ اللَّهُ أَجْرَكَ مَرَّتَيْنِ. فَإِنْ تَوَلَّيْتَ فَعَلَيْكَ إِثْمُ الْأَرِيسِيِّينَ. وَ «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ».

«به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر. از محمد بنده خدا و فرستاده او به هراکلیوس بزرگ رومیان. سلام و درود بر کسی که از هدایت پیروی کند. پس از ستایش و سپاس خدا من تو را به اسلام و پذیرفتن آن فرا می‌خوانم. به آیین اسلام در آی تا گزند نبینی. اسلام بپذیر تا خداوند دوبار تو را پاداش دهد. اگر بر این پیام پشت کنی گناه همه مردم کشور یا کشاورزان بر تو خواهد بود. «ای اهل کتاب! به سخنی که ما و شما آن را یکسان پذیرفته‌ایم روی آورید. بدین معنی که جز خدا را نپرستیم و در پرستش او هیچ چیز را انباز او نسازیم، و جز الله، عیسی یا عالمان دینی را پروردگار خویش ندانیم. بر این بنیاد

اگر اهل کتاب از پذیرفتن توحید سرباز زدند شما ای مسلمانان به ایشان بگویید: گواه باشید و بپذیرید که تنها ما در دل و زبان توحید خدا را پذیرفته‌ایم»^۱.

در این گونه نامه‌ها که ویژگی‌اش ایجاز و خلاصه‌گویی است می‌بینیم آن حضرت پس از بشارت و انداز، با طرح آیه ۶۴ سوره آل عمران اصل مهم توحید و یکتاپرستی را یادآور می‌شوند، و این شیوه، آسوه و نمونه‌ای شایسته برای ما در دعوت به اسلام و اتحاد و همبستگی با ملت‌های دیگر است. نتیجه کلی که از آموزه‌های قرآن و حدیث برای ایجاد همبستگی و اتحاد می‌گیریم این است که توحید در معنی گسترده و فراگیرش باید محور و اساس فعالیت‌های نظری و عملی ما باشد، و دعوت به حق و حقیقت - نه گروه و حزب خود - بهترین انگیزه برای اتحاد و همگرایی می‌تواند باشد: آری.

جان‌گران و سگان از هم جداست
متحد جان‌های شیران خداست

۱- جزء پایانی آیه ۴۷ سوره طه است که با «والسلام» آغاز می‌شود. ترجمه آیه در متن کتاب به این صورت آمده بود: «کسی که پیرو راستی گردد گزند نمی‌بیند.» که مترجم «سلام» را به «دوری از گزند و سلامتی» ترجمه کرده.

۲- همان. ص ۱۵۵-۱۵۶. از ذکر منابع و مأخذ متعدد و معتبری که نام در آن‌ها آمده صرف نظر شد.